

اثر بخشی مدل غنای خانواده مبتنی بر فرهنگ ایرانی بر سبک تربیتی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان

حسنعلی میرزابیگی* : عضو هیأت علمی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران، تهران، ایران.

چکیده: به منظور اثر بخشی مدل غنای خانواده مبتنی بر فرهنگ ایرانی بر سبک تربیتی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مطالعه‌ای شبه آزمایشی از نوع گروه‌های نامعادل انجام شد. گروه نمونه شامل سی زوج با میانگین سنی ۴۰ سال دارای فرزندان شاعلی به تحصیل در مقطع راهنمایی و داوطلب شرکت در پژوهش بودند که به دو گروه ۱۵ زوج آزمایش و ۱۵ زوج کنترل تقسیم شدند. در مرحله پیش آزمون دو گروه پرسشنامه شیوه‌های تربیتی (PSI) را تکمیل نمودند و معدل آخرین کارنامه دانش‌آموز خود را گزارش دادند. سپس گروه آزمایش تحت ده جلسه دو ساعته برنامه آموزش مدل غنای خانواده مبتنی بر فرهنگ ایرانی قرار گرفت که نتایج حاصل از مقایسه میانگین پس آزمون گروه‌ها با تحلیل کوواریانس نشان داد: تفاوت معناداری بین پس آزمون گروه کنترل و آزمایش وجود دارد و از آنجا که نمره پس آزمون گروه آزمایش افزایش را نشان می‌دهد، بنابراین می‌توان چنین عنوان نمود که آموزش مدل غنای خانواده مبتنی بر فرهنگ ایرانی بر سبک تربیتی والدین و پیشرفت تحصیلی فرزندان تأثیر معنی‌داری دارد.

واژگان کلیدی: فرهنگ ایرانی، سبک‌های تربیتی، پیشرفت تحصیلی، دانش آموزان.

*نویسنده‌ی مسؤول: عضو هیأت علمی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران، تهران، ایران.

(Email: drmirzabeigi@gmail.com)

مقدمه

یکی از مهمترین مسائلی که در آموزش و پرورش مطرح است، عملکرد تحصیلی است. عملکرد تحصیلی دانش آموزان بر جنبه های مهمی از زندگی آنان تأثیر می‌گذارد، از جمله ارتقاء به مقاطع تحصیلی بالاتر، کسب شغل و جایگاه اجتماعی مناسب و رضایت خاطر (آبشا، ۲۰۱۲). عملکرد تحصیلی دانش آموزان تحت تأثیر عوامل متعددی است که از جمله این عوامل می‌توان به سبک‌های فرزندپروری، خودکارآمدی تحصیلی و انگیزه پیشرفت اشاره کرد (آبشا، ۲۰۱۲؛ برایان، گالا، وود، کیمپار و چو دیوید، ۲۰۱۴؛ جمالی، نوروزی و طهماسبی، ۱۳۹۲؛ گوآی، راتل، روی و لیتالین، ۲۰۱۱؛ برگرفته از مرادیان و همکاران، ۱۳۹۳). از آنجا که فرزندان هر خانواده، آینده سازان مملکت هستند، پیشرفت تحصیلی آن‌ها امری است که پس از سلامت جسمی و روانی، از اهمیت ویژه برخوردار است. حال با توجه به اینکه فرزندان در محیط خانواده رشد می‌یابند و تربیت می‌شوند. بنابراین الگوی تربیتی والدین نقش مهمی در پیشرفت تحصیلی فرزندان دارد. عدم توجه والدین به سالم سازی محیط روانی و عاطفی کودکان و نوجوانان و فقدان روابط مناسب، در بیشتر موارد آنان را با کمبودهای عاطفی، انگیزشی و مشکلات روانی روبرو می‌سازد (شاملو، ۱۳۸۶). تحقیقات نشان داده است تجارب خانوادگی تأثیر عمده ای بر تکامل فرد در طول دوره نوجوانی و بعد از آن دارد و ارتباطات خانوادگی سایر جنبه‌های زندگی نوجوان را مانند موفقیت تحصیلی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد (بایرن، هادوک و پوستون، ۲۰۰۲). سیاری از مطالعات، موفقیت تحصیلی و شغلی را تحت تأثیر خاستگاه خانوادگی و تجارب تحصیلی افراد می‌دانند و بر نقش خانواده و ساختار و منابع خانواده که شامل سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌شود، تأکید می‌کنند. جریان تربیت کودک برای والدین لذت بخش و در عین حال با مشقت‌ها و ناراحتی‌های فراوانی همراه است (لیلی وایت و برادلی، ۱۹۹۶). علی‌رغم سرمایه گذاری قابل توجه خانواده و نظام دولتی در آموزش و پرورش، بازدهی در نظام آموزش و پرورش مطلوب نیست. نرخ بالای مردودی و بخصوص افت تحصیلی در پایه اول متوسطه، قابل ملاحظه است. همچنین وضعیت سرمایه فرهنگی والدین نیز از عوامل بسیار مهم در ارتقاء کیفیت دانش آموزان قلمداد می‌شود به طوری که سرمایه فرهنگی پایین خانواده، کیفیت تحصیلی دانش آموزان را تحت تأثیر قرار می‌دهد لذا خانواده‌هایی که دارای سرمایه فرهنگی پایین هستند، نه

تنها انگیزه آموختن را از فرزندان خود گرفته بلکه توانایی‌های جسمی و ذهنی برای آموختن را از فرزندان خود می‌گیرند و تحت تأثیر قرار می‌دهند. این که فرهنگ درون خانواده‌ها متفاوت است واقعیتی انکارناپذیر است، والدین دارای سرمایه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هستند و سرمایه‌های فرهنگی آنان بیشترین تأثیر را بر افکار و رفتارهای آن‌ها از جمله شیوه‌های فرزند پروری آنان داشته و فضاهای فرهنگی زندگی آن‌ها را شکل داده و هدایت می‌کند. بنابراین به نظر می‌رسد نقش فضاهای فرهنگی درون خانه‌ها که متأثر از سرمایه‌های فرهنگی آنان است، تأثیر بسیار مهمی بر چگونگی شکل‌گیری شخصیت و فرهنگ فرزندانشان خواهد داشت. براین اساس این فرض در ذهن شکل می‌گیرد که والدینی که از سرمایه‌های فرهنگی پایین‌تری برخوردارند، فضاهای فرهنگی سطح پایین‌تری را در خانه تولید خواهند کرد. در چنین فضاهایی نمی‌توان انتظار شناخت، رشد و شکوفایی شدن استعدادها و بارورشدهن خلاقیت‌های سرمایه فرهنگی اصطلاحی جامعه شناختی است و از زمانی که بورديو در سال ۱۹۷۳ آن را مطرح ساخت، کاربرد گسترده ای پیدا کرد. انتقال هنجارها و ارزش‌های فرهنگی از نسلی به نسل دیگر را باز تولید فرهنگی گویند. باز تولید فرهنگی به مکانیسم‌هایی اطلاق می‌شود که به وسیله آن‌ها تجربه فرهنگی در طول زمان استمرار می‌یابد. فرایندهای تعلیم و تربیت در جوامع امروزی از جمله مکانیسم‌های اصلی باز تولید فرهنگی‌اند و تنها از طریق آنچه در دوره‌های آموزشی رسمی آموخته می‌شود، عمل نمی‌کنند. باز تولید فرهنگی به شیوه‌های ژرف تر از طریق برنامه‌های پنهان (جنبه‌های رفتاری که افراد به شیوه‌های غیر رسمی در مدرسه می‌آموزند) صورت می‌گیرد. بر طبق نظریه باز تولید فرهنگی بورديو، خانواده‌هایی با فرهنگ بالا یا با فرهنگ پایین، توانایی‌ها، مهارت‌ها، روش‌ها و سلیقه‌هایی را ایجاد می‌کند که در عرصه آموزش از ارزش بسیاری برخوردار است (تاجبخش، ۱۳۸۴). سرمایه فرهنگی ممکن است ناملموس باشد، یعنی به صورت سرمایه معنوی به شکل ایده‌ها، اعمال، عقاید و ارزش‌هایی باشد که در یک گروه مشترک است. این صورت از سرمایه فرهنگی مطابق با تفسیر سازنده‌ای از فرهنگ است و به شکل آثار هنری از قبیل موسیقی و ادبیات نیز وجود دارد که کالاهای عمومی هستند. در این معنا موجودی سرمایه معنوی می‌تواند بر اثر بی‌توجهی از بین برود یا از طریق سرمایه‌گذاری جدید افزایش یابد. این موجودی هم به مرور زمان موجب پیدایش جریانی از خدمات می‌شود. هم حفظ سرمایه

است؛ با این تفاوت که در طرح گروه‌های نامتعادل، آزمودنی‌ها به گونه تصادفی از جامعه انتخاب نمی‌شوند (هومن، ۱۳۸۴). گروه نمونه شامل سی زوج با میانگین سنی 40 ± 5 سال دارای فرزندان شاغل به تحصیل در مقطع دبیرستان و داوطلب شرکت در پژوهش بودند که به دو گروه ۱۵ زوج آزمایش و ۱۵ زوج کنترل تقسیم شدند. در مرحله پیش آزمون دو گروه آزمون والدین پرسشنامه سبک‌های تربیتی را تکمیل نمودند و معدل آخرین کارنامه دانش آموز خود را گزارش دادند. سپس گروه آزمایش تحت ده جلسه دو ساعته برنامه آموزش مدل غنای خانواده مبتنی بر فرهنگ ایرانی قرار گرفت و نتایج حاصل از مقایسه میانگین پس آزمون گروه‌ها با تحلیل کوواریانس مورد بررسی قرار گرفتند.

ابزارهای پژوهش

۱. بسته آموزشی "مدل غنی خانواده مبتنی بر فرهنگ ایرانی" مبنای طراحی بسته آموزشی که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفت، رساله دکتری محقق (میرزابیگی، ۲۰۱۰) می‌باشد، که در آن از جزئیات بنیان و سازمان تربیتی ایران و باستان، اهداف مهم آموزش و پرورش، برنامه تعلیم و تربیت در ایران باستان، پداگوژی تعلیم و تربیت از عصر پهلوی تا انقلاب، اصول حاکم و ارزش‌های معنوی در آموزش و پرورش ایران، مبانی اخلاقی، دینی و اسلامی و فرهنگ ایرانی استفاده شده است.

۲. پرسشنامه شیوه‌های تربیتی (PSI). این پرسشنامه که در سال ۱۹۷۲ توسط بامریند طراحی شد، شامل ۳۰ جمله است که ۱۰ جمله آن به شیوه سهل گیرانه، ۱۰ جمله به شیوه مستبدانه و ۱۰ جمله دیگر به شیوه قاطع و اطمینان بخش مربوط می‌شود. الگوی پاسخگویی به سؤال‌ها از مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت تبعیت می‌کند که به صورت کاملاً موافقم، موافقم، مطمئن نیستم، تقریباً مخالفم و مخالفم است. علاوه بر الگوی پاسخ‌دهی، نمره‌گذاری سؤالات پرسشنامه بامریند نیز بر مبنای مقیاس لیکرت صورت می‌گیرد که با جمع نمرات سؤالات مربوط به هر شیوه، سه نمره مجزا بدست می‌آید. بوری در سال ۱۹۹۷ پایایی پرسشنامه مزبور را با استفاده از روش بازآزمایی در بین گروه مادران به ترتیب ۰/۸۱ درصد برای شیوه سهل‌گیر، ۰/۸۶ درصد برای شیوه استبدادی و ۰/۷۸ درصد برای شیوه مقتدرانه و در بین پدران به ترتیب ۰/۷۷ درصد برای شیوه سهل‌گیر، ۰/۸۵ درصد برای شیوه استبدادی و ۰/۸۸ درصد برای شیوه مقتدرانه گزارش نمود. روایی محتوای آزمون نیز توسط ۱۰ نفر از صاحب نظران روانشناسی و روان پزشکی مورد تأیید قرار گرفت و

معنوی موجود و هم آفرینش سرمایه جدیدی از این نوع نیازمند منابع است (اسمیت، ۱۳۸۷). ویژگی بارز سرمایه فرهنگی بوردیو تحلیل سازوکار موفقیت‌های تحصیلی باتوجه به میزان برخورداری گروه‌ها و طبقات اجتماعی از این سرمایه است. دانش آموزانی که سرمایه فرهنگی بیشتری دارند (دانش آموزان متعلق به خانواده‌هایی که مهارت برتری‌های فرهنگی مسلط را در اختیار دارند) بهتر می‌توانند قواعد بازی را رمزگشایی کنند و بهتر می‌توانند مهارت‌ها و برتری‌های فرهنگی را که در مدارس پاداش می‌گیرند در خود پرورش دهند و بنابراین بهتر می‌توانند به سطوح بالاتر تحصیلی راه یابند. بر این اساس، طبقات مسلط نسبت به سایر طبقات سهم بیشتری از سرمایه فرهنگی می‌برند و لذا بیشتر قادر خواهند بود که این نوع سرمایه را در فرزندانشان به ودیعه بسپارند. با افزایش سرمایه فرهنگی در نزد طبقات متوسط، عملکرد تحصیلی فرزندان افزایش می‌یابد (خدایی، ۱۳۸۵). تحقیقات نشان داده است که فضای فرهنگی خانواده، معیارها و ارزش‌هایی که پدران و مادران در خانه برقرار می‌کنند و برداشت آن‌ها از مدرسه از جمله مهمترین عوامل مؤثر در پیشرفت تحصیلی، پرورشی و عاطفی دانش آموزان است (هورنبای، ۲۰۰۰). به طور کلی می‌توان تربیت را جریانی دانست که به طور مستمر در جهت رشد همه جانبه فرد اعم از (جسمانی، شناختی، روانی، عاطفی، اجتماعی و دینی) و شکوفا شدن استعدادهای اوست. نخستین محیطی که فرزندان را تحت تأثیر رهبری و راهبردی، تفکرات و نوع تربیتی، از نظر فرهنگی، آموزشی، روابط اجتماعی و اخلاقی خود قرار می‌دهد، خانواده است. در ایران خانواده‌ها و فرزندانشان را با سبک‌های سنتی یا مدرن و ترکیبی از آن دو تربیت می‌کنند. اهمیت و ضرورت مسأله در این است که در عصر علوم فنی و فن آوری که دنیا را به چالش کشیده است، خانواده‌ها کدام سبک تربیت را در پیش گیرند تا فراگیران دانش بتوانند نیازهای ضروری جامعه خود را با علوم معاصر دست یابند و دست نیاز به سوی کشورهای دیگر دراز نکنند (میرزابیگی، ۲۰۱۰). پژوهش حاضر با هدف تعیین اثربخشی آموزش مدل غنای خانواده مبتنی بر فرهنگ ایرانی بر سبک تربیتی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان صورت گرفت.

مواد و روش‌ها

طرح پژوهش حاضر شبه آزمایشی، از نوع گروه‌های نامتعادل است که از لحاظ ساختار مشابه طرح پیش تست - پس تست با گروه کنترل در طرح‌های آزمایشی

پس از یک استراحت کوتاه در ساعت دوم عناوین بعدی مطرح شده و آموزش داده می‌شود و جلسه با جمع بندی به پایان می‌رسد، هدایت جلسه نیز بر عهده متخصص می‌باشد. جلسه اول با معرفی متخصص، بیان اهداف تحقیق، آشنایی با افراد گروه، مطرح کردن علت حضور و مشارکت افراد در جلسه، بیان قوانین جلسه از سوی متخصص و پیش آزمون آغاز می‌شود، جلسه دوم تا نهم به آموزش محورهای بسته آموزشی اختصاص دارد و جلسه دهم به جمع بندی کل جلسات و اختتام دوره آموزشی می‌پردازد و در انتها از کلیه افراد به پس آزمون پاسخ می‌دهند.

روش تجزیه و تحلیل داده ها

در این پژوهش از روش آماری تحلیل کوواریانس جهت سنجش متغیرهای پژوهش استفاده شد.

یافته ها

بر اساس نتایج به دست از جدول (۱) چون مقدار F در سطح ۰/۰۵ در متغیر سبک‌های کلی تربیتی با مقدار ۴/۴۸۱، در زیر مقیاس سهل‌گیر با مقدار ۴/۵۳۹، زیر مقیاس مستبد با مقدار ۵/۵۴۱، زیر مقیاس قاطع با مقدار ۷/۲۳۹ و پیشرفت تحصیلی با مقدار ۶/۳۴۱ معنادار می‌باشد، بنابر این تفاوت معناداری بین پس‌آزمون گروه کنترل و آزمایش وجود دارد و از آنجا که نمره پس آزمون گروه آزمایش افزایش را نشان می‌دهد، بنابراین می‌توان چنین عنوان نمود که آموزش مدل تربیتی غنای خانواده مبتنی بر فرهنگ ایرانی بر سبک‌های تربیتی والدین و پیشرفت تحصیلی فرزندان تأثیر دارد.

ابزار مناسب می‌باشد (بیرامی و خسروشاهی، ۱۳۸۹).
۳. پیشرفت تحصیلی: در پژوهش حاضر، ملاک پیشرفت تحصیلی، معدل ترم گذشته (ترم دوم سال تحصیلی ۹۰-۹۱) بود که از کارنامه مستخرج شد.

روش اجرا

در مرحله پیش آزمون، پرسشنامه شیوه‌های تربیتی برای هر دو گروه اجرا شد و نمرات ترم گذشته دانش‌آموزان نیز ثبت گردید. شایان ذکر است که زمان شروع آموزش فرزندان پرووری در آبان ماه انتخاب شد، سپس برنامه "آموزش مدل غنای خانواده مبتنی بر فرهنگ ایرانی" (میرزاییگی، ۲۰۱۰) به صورت گروهی در ده جلسه به مدت دو ساعت و یک روز در هفته برای گروه آزمایش انجام شد. در طی جلسات آموزشی، گروه گواه برنامه‌ای دریافت نکرد. دو هفته بعد از اتمام جلسات آموزشی، پرسشنامه شیوه‌های تربیتی برای هر دو گروه والدین بعنوان پس آزمون به اجرا در آمد و معدل کارنامه ترم جاری نیز ثبت گردید.

خلاصه محتوای جلسات

هر جلسه سرفصل‌هایی دارد که این عناوین به خانواده‌ها آموزش داده می‌شود و تمرین‌هایی در راستای این اهداف برای انجام در منزل به خانواده‌ها داده می‌شود در جلسه بعد ابتدا در ساعت اول جلسه، نتایج تمرین‌های جلسه قبل در منزل، احساس و نگرش والدین به آن‌ها، فرایندی که با فرزند خود در انجام این تمرینها تجربه کرده‌اند و موانع و مشکلات موجود در اجرای آن‌ها با همکاری و مشارکت همه والدین حاضر مورد بحث قرار می‌گیرد.

جدول شماره ۱: میانگین، انحراف استاندارد و نتایج تحلیل کوواریانس (ANCOVA) برای روش های فرزندپروری مادران و پیشرفت

تحصیلی دانش آموزان

متغیر وابسته	گروه کنترل				گروه آزمایش				
	پس آزمون		پیش آزمون		پس آزمون		پیش آزمون		
	SD	M	SD	M	SD	M	SD	M	
سبک های تربیت کلی	۴/۴۸۱	۱/۲۱	۰/۵۳۱	۱/۱۸	۰/۵۴۶	۰/۲۷۱	۰/۵۲۴	۰/۴۴۱	۰/۵۷۲
سبک تربیتی سهل گیر	۴/۵۳۹	۴/۷۸	۲۴/۲۲	۴/۴۲	۲۴/۵۴	۴/۹۵	۲۲/۷۲	۴/۳۲	۲۴/۴۱
سبک تربیت مستبد	۵/۵۴۱	۴/۷۹	۲۵/۳۸	۴/۵۴	۲۵/۰۵	۵/۶۴	۲۳/۸۰	۴/۵۴	۲۵/۶۳
سبک تربیتی قاطع	۷/۲۳۹	۴/۱۲	۲۳/۰۲	۳/۶۱	۲۳/۱۸	۶/۱۲	۲۱/۵۳	۳/۸۰	۲۳/۳۲
عملکرد تحصیلی									
پیشرفت تحصیلی	۶/۲۴۱	۲/۱۰	۱۷/۳۸	۱/۸۰	۱۷/۲۰	۱/۴۹	۱۸/۵۳	۱/۴۱۶	۱۷/۱۳

بحث و نتیجه گیری

با توجه به نتایج این پژوهش می‌توان گفت از آنجایی که هر خانواده بنا بر آداب و رسوم و فرهنگ خاصی بنا گذاشته شده است و تعامل و هم‌اندیشی و اجتماعی شدن را از آنجا شروع می‌کند و از هر نظر چه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی دارای ابعاد مختلف می‌باشد که دارایی‌های فرهنگی از اهمیت بیشتر و ویژه‌ای برخوردار است و بطور مستقیم و غیر مستقیم بر افکار و رفتارهای فرزندان اثرگذاری زیادی دارد و قدرت فرهنگ می‌تواند به هر نوعی در عملکرد و رفتار فرزندان تأثیر مثبت یا منفی به جای بگذارد و به نظر می‌رسد فضای فرهنگی درون خانواده نه تنها در عملکرد بلکه در شکل‌گیری شخصیت نیز اثرگذار است و اگر چه فضای دیگری مثل مدارس و مراکز آموزش و پرورش، رسانه و شبکه دوستان نیز در شکل‌گیری شخصیت بی‌تأثیر نیستند. اما تحقیقات نشان داده است که والدین بیشتری اثرگذاری را روی کودکان خود دارند (پروین، ۱۹۹۵؛ برگرفته از میرزاییگی، ۲۰۱۰). بدین ترتیب نقش والدین خانواده در نهادینه کردن ارزش‌های فرهنگی و هنجارهای اجتماعی این است که به انتقال ارزش‌های فرهنگی و هنجارهای اجتماعی بپردازد. محیط خانواده، نحوه تعامل پدر و مادر و فرزندان با یکدیگر، طبقه اجتماعی خانواده، اعتقاد خانواده به دستاوردهای فرهنگی گذشتگان، همانند سازی کودکان با والدین به عنوان الگوی رفتاری و تصویری که والدین از فرزندانشان در ذهن دارند و بیانگر ایده آل ذهنی آنان است، همگی در انتقال ارزش‌های فرهنگی و هنجارهای اجتماعی به کودکان مؤثر است (شرفی و طاهر پور، ۱۳۸۷؛ برگرفته از میرزاییگی، ۱۳۹۲). برای اینکه والدین در انتقال ارزش‌های فرهنگی و هنجارهای اجتماعی موفق شوند باید جامعه را که ریشه در منابع غنی فرهنگی چون مذهب و ادبیات دارد به جوانان بشناسانند و خود نیز به ارزش‌های اخلاقی، فرهنگی و تربیتی پایبند باشند. سبک تربیتی راهی است که بر اساس آن کودک توسط والدین رشد کرده و می‌تواند بر عملکرد کودک در مدرسه اثرگذار باشد و به همین دلیل سبک‌های تربیتی مجموعه‌ای از نشانه‌های کلامی و غیرکلامی هستند که محیط تعامل کودک و والدین را در همه موقعیت‌ها تعیین می‌کند (سپهر، ۱۳۹۰). بر اساس مطالب فوق تربیت و آموزش کودکان تحت مدل غنای خانواده مبتنی بر فرهنگ ایرانی نقش مؤثری در بهبود سبک‌های تربیتی والدین و عملکرد تحصیلی فرزندان دارد.

چرا که فرهنگ به عنوان یکی از با نفوذترین عوامل در عیین باورهای والدینی، می‌تواند نقش کلیدی در این زمینه‌ها داشته باشد (پارک، ۲۰۰۴).

References:

- Abesha, A.G 2012. *Effects of parenting styles, academic self-efficacy, and achievement motivation on the academic achievement of university students in Ethiopia*. A dissertation submitted in fulfillment of the requirements for the award of Doctor of Philosophy, School of Psychology and Social Science, Faculty of Computing, Health, and Science, Edith Cowan University.
- Alavi-Alaa, S. M.(2014). The Role of traditional styles and modern family on the academic performance of children. *Research in curriculum planning*.11(4): 115-104.
- Bayrami, M, Khosroshahi, B 2009. *The relationship between parenting styles and academic achievement of students in schools Ilkhechi*. Education, Vol. 3, No.10, Pp. 21-27.
- Bourdieu, P 2001. Theory of action, causes of action and rational choice. Translated by Mardiha. Tehran: *Publication of the role of journalist*.
- Brian, M, Galla, J, Wood, E.T, etal 2014. A longitudinal multilevel model analysis of the within-person and between-person effect of effortful engagement and academic self-efficacy on academic performance. *Journal of School Psychology*, Vol.24, Pp.123-130.
- Byrne, BA, Haddock, CK, Poston, SC 2002. Mid American Heart Institute. Parenting style and adolescent smoking. *Journal of Adolescence Health: Vol.6, No.30, Pp. 418-425*.
- Guay, F, Ratelle, C.F, Roy, A, etal 2011. Academic self-concept, autonomous academic motivation, and academic achievement: Mediating and additive effects. *Journal of Learning and Individual Differences*, Vol.20, Pp.644-653 .
- Hooman, H.A 2014. *Understanding the scientific method in the behavioral sciences*. Research foundations. Tehran: Samt.

- Park, S 2004, *Cultural considerations in providing positive behavioural support (PBS) & behavioural parenting training (BPT) to Korean & European American parents who have children with disability and problem behaviours*. Doctoral's thesis. University of California, Berkeley, California, United States.
- Rice, K.G, Cole, D.A Lapsley, D.K 1990. Separation-individuation, family cohesion, and adjustment to college: Measurement validation and a test of a theoretical model. *Journal of Counseling Psychology*, Vol.37, Pp.195-202.
- Sepehr, M 2011. Examine the relationship between cultural capital with academic success (case study of secondary school students in Jovin city), *Master Thesis, University of Mazandaran*.
- Shamloo, S 2013. *Mental Health*. Tehran: Roshd.
- Smith, Philip. *Cultural Theory: An Introduction*, Blackwell Publishing LTD, 2004.
- Tajbakhsh, K 2006. *Social capital, trust, democracy and development, translation and Khakbaz and Pouyan*, Tehran: Shirazeh.
- Hornby, G 2000. *improving parental involvement*. London: cassell.
- Jamali, M, Noroozi, A, Tahmasebi, R 2013. Factors affecting self-efficacy and its relationship to academic achievement in students of Bushehr University of Medical Sciences. *Journal of Medical Education*, No.8, Pp. 629-641
- Khodai, E 2006. Investigate the relationship between economic and cultural capital of parents of students with the possibility of passing the entrance examination, *Iranian Journal of Higher Education*, Vol.1, Pp.4.
- Lillywithe, H.S, Brradly, D.P 1996. *Communication problems in mental retardation*. New York: Harper and row.
- Mirzabeygi, H 2013. The effectiveness of parenting education based on Iranian culture on parenting style and academic achievement of children. *Jundishapur education development*. Vol.4, No.6, Pp. 82-74.
- Mirzabeigi, HA 2010, The effect of cultural capital and family traditions of education in families and parenting practices on children's academic success. PhD's thesis. *Academy of Pedagogical Sciences of Tajikistan*.
- Moradian, J, Aalipour, C, Shahni-yeilagh, M 2014. The causal relationship between parenting styles and academic performance in students through academic self-efficacy and motivation. *Family Psychology*, Vol.1, No.1, Pp. 74-63.

The Effectiveness of Family Evaporated Model (FEM) Based on Iranian Culture, on Parenting Style and Academic Achievement of Students

Hasan Ali Mirzabeigi^{1,*}

¹: Faculty Member of Tehran Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Abstract: In order to improve the academic achievement of children and parenting style according to family evaporated model (FEM) based on Iranian culture, a quasi-experimental study of nonequivalent groups was performed, the sample consisted of thirty couples with an average age of 40 years, how has school age children participated voluntarily and were placed in either an experimental or a control group. The experimental group received education program in 10 sessions (each two hours). All participants answered the Parenting Style Inventory (PSI) in pre and post test. Finally, questionnaires data, Demographic information and the averages of one semester past have been used for analysis and Hypotheses were tested by ANCOVA analysis. Also, the results indicated that the experimental group had significantly higher scores in the posttest than in the pretest phase. As a result, both experimental and qualitative findings suggest that parenting education based on Iranian culture can be used to improve children's academic achievement and parenting styles.

Keywords: Family Evaporated Model, Iranian Culture, Parenting Style, Academic achievement, Children.

***Corresponding author:** Assistant Professor of Tehran Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Email: drmirzabeigi@gmail.com